یادداشت ...

همراهی ارزشمند دکتر عارف با رئیس جمهور در مسیر تحقق وعده‌ها

مسعود فاتح –فعال رسانه‌ای

بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت مدیران متخصص، پاکدست و خوشنامی همچون دکتر عارف که اهل تعامل و همفکری و مشورت با گروه‌ها و جناح‌های مختلف در موضوعات مهم و تاثیرگذار است و تجربه موفق مدیریت‌های عالی در دولت اصلاحات و حضور تاثیرگذار در مجلس را در کارنامه دارد، می‌تواند مسیر دکتر پزشکیان برای چیدمان کابینه کارآمد با تعامل حداکثری با ارکان مختلف نظام علی الخصوص مجلس را هموار کند».

همانطور که دکتر عارف، دکتر پزشکیان را شخصیتی پاکدست، خوشنام، واجد فضیلت های لازم برای یک سیاستمدار ملی و مصلح، معتدل، استوار، صادق و شرافتمند دانسته بود که فرصتی ارزشمند برای نظام و مردم تلقی می‌شود، انتصاب دکتر عارف به عنوان معاون اول رئیس جمهور که شخصیتی متخصص، پاکدست و خوشنام به شمار می‌رود که اهل تعامل و همفکری و مشورت با گروه‌ها و جناح‌های مختلف است، می‌تواند دکتر پزشکیان را در تحقق وعده‌هایش یاری رساند.

مسعود فاتح، فعال رسانه‌ای در نوشتاری نوشت: همانطور که پیش از این و در زمان پیروزی دکتر پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم نوشتم، «چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با حضور موثر مردم در پای صندوق‌های رای پایان یافت و دکتر مسعود پزشکیان رئیس جمهور منتخب مردم ایران شد. یکی از نتایج این انتخابات، احیای امید مردم در اوج ناامیدی بود و دکتر پزشکیان باید برای تحقق وعده‌هایش از این اعتماد دوباره مردم نهایت بهره را ببرد تا تقویت رابطه حاکمیت با مردم، اصلاح ساختارهای ناصحیح، حل مشکلات جامعه علی الخصوص مشکلات اقتصادی و احیای اعتماد عمومی محقق شود.

دکتر پزشکیان برای گام نهادن در این مسیر باید از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده نماید و همانگونه که خودش نیز بارها تاکید داشته است باید با همدلی و بهره‌گیری از نخبگان در مسیر رفع بخشی از چالش‌های موجود و رفع مشکلات مردم حرکت کند.

برای حضور موثر در این مسیر، بهره‌گیری از برنامه و راهبرد مشخص و استفاده از تجربیات موفق دولت‌های گذشته ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

دکتر پزشکیان برای هموار نمودن مسیر اصلاح موانع و رویه‌های موجود به منظور تحقق وعده‌ها، باید تیمی از مدیران موفق و باتجربه و نه مدیران احساسی و پرحاشیه را در کنارش قرار دهد تا از یک سو زمینه استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌های موجود در کشور فراهم شود و از سوی دیگر دولت چهاردهم در تعامل با سایر قوا با کمترین حاشیه و چالش مواجه شود.

بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت مدیران متخصص، پاکدست و خوشنامی همچون دکتر عارف که اهل تعامل و همفکری و مشورت با گروه‌ها و جناح‌های مختلف در موضوعات مهم و تاثیرگذار است و تجربه موفق مدیریت‌های عالی در دولت اصلاحات و حضور تاثیرگذار در مجلس را در کارنامه دارد، می‌تواند مسیر دکتر پزشکیان برای چیدمان کابینه کارآمد با تعامل حداکثری با ارکان مختلف نظام علی الخصوص مجلس را هموار کند».

دکتر عارف در دیدار پیش از انتخابات با دکتر مسعود پزشکیان، ضمن برشمردن ویژگی های اخلاقی و مدیریتی مسعود پزشکیان و با اشاره به حساسیت ویژه انتخابات پیش رو، حضور دکتر پزشکیان را در عرصه انتخابات فرصت ارزشمند برای مردم و نظام برشمرد و حمایت خود و بنیاد امید ایرانیان را از او اعلام کرد. دکتر عارف همچنین در پیامی به مناسبت پیروزی دکتر پزشکیان در انتخابات نوشته بود: «بی شک شخصیت برجسته جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان، کاندیدای جریان اصلاح جو و بهبود خواه، در شکل گیری اجماع ملی برای تحول خواهی، نقشی برجسته داشته است. دکتر پزشکیان، شخصیتی پاکدست، خوشنام، واجد فضیلت های لازم برای یک سیاستمدار ملی و مصلح، معتدل، استوار، صادق و شرافتمند می باشد که در نقش ایجاد کننده اجماع ملی برای عبور از تحریم، انزوا و افتادن کشور در ریل توسعه مردم‌سالار ظاهر گردید و اعتماد عمومی ملت را کسب کرد».

لذا باید تاکید کرد: «همانطور که دکتر عارف، دکتر پزشکیان را شخصیتی پاکدست، خوشنام، واجد فضیلت های لازم برای یک سیاستمدار ملی و مصلح، معتدل، استوار، صادق و شرافتمند دانسته بود که فرصتی ارزشمند برای نظام و مردم تلقی می‌شود، انتصاب دکتر عارف به عنوان معاون اول رئیس جمهور که شخصیتی متخصص، پاکدست و خوشنام به شمار می‌رود که اهل تعامل و همفکری و مشورت با گروه‌ها و جناح‌های مختلف است، می‌تواند دکتر پزشکیان را در تحقق وعده‌هایش یاری رساند».

معاون اول دولت چهاردهم را بیشتر بشناسید

سرویس سیاسی – محمدرضا عارف با حکم رئیس جمهور به عنوان معاون اول رئیس جمهوری منصوب شد. مسعود پزشکیان رئیس جمهوری در نخستین ساعات بعد از تنفیذ حکم ریاست جمهوری، محمدرضا عارف را به عنوان معاون اول رئیس جمهوری منصوب کرد. عارف متولد سال ۱۳۳۰ در شهر یزد و از فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف و دارای مدرک دکتری رشته برق گرایش مخابرات از دانشگاه استنفورد ایالات متحده آمریکا است. وی که هم اکنون عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بنیاد امید ایرانیان است سابقه فعالیت به عنوان معاون اول رئیس جمهوری در دولت هشتم به ریاست سید محمد خاتمی را در کارنامه خود دارد. عارف همچنین در جریان رقابت‌های انتخاباتی دوره دهم مجلس شورای اسلامی به عنوان سرلیست فهرست سی نفره «ائتلاف فراگیر اصلاح طلبان؛ گام دوم» (لیست امید) از حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس توانست با کسب ۱۶۰۸۰۹۲۶ رأی بالاتر از سایر داوطلبان این حوزه انتخابیه به عنوان نفر اول وارد مجلس شود.

وی در مجلس دهم ریاست فراکسیون امید را که متشکل از نمایندگانی بود که با حمایت لیست امید وارد مجلس شدند بر عهده گرفت. عارف همچنین در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری در دوره یازدهم (سال ۱۳۹۲) به عنوان نامزد انتخاباتی حضور داشت اما در نهایت به درخواست سید محمد خاتمی در حمایت از حسن روحانی دیگر نامزد این انتخابات کناره‌گیری کرد. او سپس از سوی روحانی برای تصدی سکان مدیریت دو وزارتخانه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ارتباطات و فناوری اطلاعات دعوت شد اما از پذیرش این پیشنهادات سر باز زد. عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضویت در فرهنگستان علوم، ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (از خرداد ۱۳۷۹ تا شهریور ۱۳۸۰)، وزیر پست، تلگراف و تلفن (از مرداد ۱۳۷۶ تا خرداد ۱۳۷۹) و همچنین ریاست دانشگاه تهران (از آذر ۱۳۷۳ تا شهریور ۱۳۷۶) از دیگر عناوینی است که در کارنامه سوابق محمدرضا عارف به چشم می‌آید.

تحویل پزشکیان شد:

کشوری تعطیل با خزانه‌ای جارو شده!

برای این که بدانیم این رقم به معنای واقعی کلمه برای خزانه کشوری مانند ایران در حکم "هیچ" است کافی است بدانیم طبق اعلام رییس سازمان اداری و استخدامی کشور در آبان سال گذشته و قبل از افزایش حقوق های امسال، دولت هر ماه ۱۵۰ هزار میلیارد تومان حقوق و دستمزد به کارمندان می دهد. به عبارت بهتر، موجودی کنونی خزانه ای که دولت سیزدهم تحویل دولت چهاردهم می دهد، تنها برای دادن حقوق ۲ الی ۳ روز کارمندان دولت کفایت می کند. البته این بدان معنا نیست که پولی در آینده نخواهد آمد و دولت نمی تواند حقوق ها را بدهد، به هر حال خزانه علاوه بر مخزن پول، مسیر گردش آن نیز هست ولی غنی نگه داشتن خزانه در عین گردش مالی آن، علمی است که فقط اقتصاددادن ها بدان واقف اند و نه شعارگرایان.

سرویس سیاسی –مسعود پزشکیان دولت را با چه خزانه‌ای تحویل می گیرد. این سوال مهمی است، چرا که وضعیت خزانه، مانند دماسنجی، اوضاع مالی ساخته شده در دولت قبلی را نشان می دهد.

با آنچه مدعیان و منتقدان می گویند کاری نداریم و آنچه مسوولان دولت سیزدهم می گویند را حمل بر صحت می کنیم. بر اساس نامه رسمی وزیر امور اقتصادی و دارایی به سرپرست ریاست جمهوری که تاریخ یک روز قبل را دارد (۶ مرداد ۱۴۰۳)، موجودی نقدی خزانه ۱۰,۵ هزار میلیارد تومان است که حدود ۱۷۰ میلیون دلار می شود.

برای این که بدانیم این رقم به معنای واقعی کلمه برای خزانه کشوری مانند ایران در حکم "هیچ" است کافی است بدانیم طبق اعلام رییس سازمان اداری و استخدامی کشور در آبان سال گذشته و قبل از افزایش حقوق های امسال، دولت هر ماه ۱۵۰ هزار میلیارد تومان حقوق و دستمزد به کارمندان می دهد. به عبارت بهتر، موجودی کنونی خزانه ای که دولت سیزدهم تحویل دولت چهاردهم می دهد، تنها برای دادن حقوق ۲ الی ۳ روز کارمندان دولت کفایت می کند.

البته این بدان معنا نیست که پولی در آینده نخواهد آمد و دولت نمی تواند حقوق ها را بدهد، به هر حال خزانه علاوه بر مخزن پول، مسیر گردش آن نیز هست ولی غنی نگه داشتن خزانه در عین گردش مالی آن، علمی است که فقط اقتصاددادن ها بدان واقف اند و نه شعارگرایان.

همان طور که در ابتدای مطلب نیز اشاره شد، درباره موجودی خزانه، به حرف خود دولتمردان استناد و حمل بر صحت شان می کنیم. حسن روحانی، رئیس جمهور اسبق، درباره وضع موجودی خزانه ای که به دولت رئیسی داد چنین گفته بود: ما خزانه را با چند میلیون دلار گرفتیم و با "چند میلیارد دلار" تحویل دادیم.

اصلاً از آن چند میلیارد دلار را چشم می پوشیم؛ خود دولت سیزدهم همواره مدعی بود توانسته است فروش نفت و درآمدهای ناشی از آن و سایر صادرات و درآمدهای داخلی را به چند برابر دولت قبلی برساند ولی برغم آن همه ادعا، خزانه ای با ۱۷۰ میلیون دلار تحویل داده است. اینجاست که باید پرسید ثمره و نشانه آن همه درآمد و ادعای موفقیت های شگرف اقتصادی کجاست؟ سر سفره مردم که نیست! در خزانه هم که نیست! پس کجاست؟!

و باز از طنزهای تلخ روزگار این که پزشکیان در روزی دولت را تحویل گرفت که به دلیل ناتوانی دولت سیزدهم در تأمین برق، کشور را برای صرفه جویی تعطیل کرده بودند و پزشکیان کشوری به معنای واقعی کلمه، "تعطیل" تحویل گرفته با خزانه‌ای که از بس که خالی است صدا در آن می‌پیچد

قبلی که عمدتاً خداوندگاران کارنامه سازی و تبلیغات بودند، در روزهای آخر دولت‌شان، کلمه ای را برای توصیف دولتی که تحویل پزشکیان می دهند ساختند که البته نگرفت و خیلی زود سوژه طنز مردمان شد و آن "اسب زین شده" بود و حالا باید گفت که نه اسب زین شده و نه حتی به تعبیر ابراهیم اصغرزاده، "خر لنگ" که "خزانهٔ جارو شده" که گوشه‌ای از آن حقوق ۳-۲ روز کارمندان را باقی گذاشته‌اند تحویل دولت جدید داده‌اند.

و باز از طنزهای تلخ روزگار این که پزشکیان در روزی دولت را تحویل گرفت که به دلیل ناتوانی دولت سیزدهم در تأمین برق، کشور را برای صرفه جویی تعطیل کرده بودند و پزشکیان کشوری به معنای واقعی کلمه، "تعطیل" تحویل گرفته با خزانه‌ای که از بس که خالی است صدا در آن می‌پیچد.

ظریف گزینه‌های پیشنهادی ۱۴ وزارتخانه را به پزشکیان معرفی کرد؛

چهره دولت جدید کم کم نمایان می‌شود

سرویس سیاسی – جلسات شورای راهبری دولت چهاردهم برای پیشنهاد گزینه‌های نهایی به رییس جمهور منتخب برگزار شده است.

تاکنون وزارتخانه های نفت، کشور، ارشاد، کار، صمت، علوم، ارتباطات، آموزش و پرورش، میراث فرهنگی، ورزش و جوانان، راه و شهرسازی، اقتصاد، راه و شهرسازی، بهداشت و سازمان برنامه و بودجه، مورد بررسی قرار گرفته و نتایج زیر پس از امتیازدهی اعضای شورای راهبری به دست آمده است:

برای وزارت نفت، رکن الدین جوادی، سید عماد حسینی و اسحاق جهانگیری حائز بیشترین امتیاز شده‌اند. این در حالی است که کارگروه زیربنایی چهره‌هایی مثل محمد شریعتمداری، بهروز نعمتی و محمود امین نژاد را بررسی و به عنوان گزینه‌های مورد نظر خود به تیم بررسی شورای راهبری ارائه کرده بود.

سه گزینه نهایی برای وزارت کشور حسین علایی، سید محمد صدر و مجید انصاری هستند.

گزینه‌های نهایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز شامل احمد مسجد جامعی، سید عباس صالحی و مجتبی حسینی است. صالحی پیشتر انصراف خود را از تصدی پست وزارت اعلام کرده بود. همچنین برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی محمد کبیری و احمد میدری بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند و پس از این دو سید کامل تقوی‌نژاد قراردارد. برای تصدی وزارت صمت شنیده‌ها از شورای راهبری حاکی از پیشتازی میثم سعیدی، حسین سلاح ورزی و فرشید گلزاده است.

پیرامون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز شنیده می‌شود نظر قطعی شورای راهبری بر روی سورنا ستاری، نیلی احمدآبادی، جعفر توفیقی و حسین میرزایی است.

برای وزارت ارتباطات نیز ستار هاشمی، خانم فداکار و فرجی دانا بیشترین امتیازات را کسب کرده‌اند.

درباره وزارت ورزش و جوانان محمد جواد آذری جهرمی، صالحی امیری، مهدی تندگویان و رسول خادم انتخاب شدند.

گزینه‌های وزارت آموزش و پرورش نیز به ترتیب سید جواد حسینی، ضیا هاشمی و فاطمه مهاجرانی مورد تایید شورای راهبری قرار گرفتند.

رحمانی موحد، علیرضا تابش و پروانه سلحشوری گزینه‌های نهایی وزارت میراث فرهنگی هستند.

وزارت راه و شهرسازی به ترتیب خانم صادق مالورجردی، پورسیداقایی و حناچی منتخب شدند.

درباره سازمان برنامه و بودجه مسعود نیلی، محمدقاسمی، حسین رحمتی و حمید پورمحمدی گزینه‌های نهایی هستند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی عبدالناصر همتی، حجت میرزایی و امین محمدزاده گزینه‌های نهایی هستند. همچنین جمع بندی شورای راهبری درباره وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی نیز به سه گزینه ظفرقندی، رییس کرمی و حمیرا وفایی رسیده است.

هاشمی طبا فعال سیاسی اصلاح‌طلب :

امیدوارم پزشکیان و عارف کشور را به روزهای خوب آن برگردانند

سرویس سیاسی – یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: همه باید با ممکلت‌شان آشتی کنند. بخش بزرگی از کسانی که تصمیم گیر هستند با مملکت قهر کرده‌اند یعنی با سرزمین ایران قهر هستند چون دائم با سیاست‌هایی که می گذارند، آن را نابود می کنند. امیدوارم آقای پزشکیان و عارف که اخیرا آمدند با مملکت خودشان آشتی کرده باشند و سیاست هایی داشته باشند که سرزمین ما را به روزهای خوبش برگردانند.

سیدمصطفی هاشمی‌طبا درباره عمل به توصیه‌های رهبری در مراسم تنفیذ توسط گروه‌ها و جناح‌ها، گفت: اصلا موضوع جدیدی نیست و ایشان همیشه چنین توصیه‌هایی کرده‌اند و بعضی اوقات عمل شده و بعضی اوقات به دلیل مشکلات عمل نشده است ولی ایشان همین نظرات را ابراز می کردند.

هر گلی یک بویی دارد

وی درباره انتخاب عارف از میان گزینه‌های پیشنهادی برای پست معاون اول رییس جمهور، عنوان کرد: می گویند هر گلی یک بویی دارد، شاید آقای پزشکیان به خاطر تجربه آقای عارف در معاون اولی، ایشان را انتخاب کردند.

اصلاح طلبان هیچ وقت با نظام قهر نبودند

هاشمی طبا در پاسخ به این سوال که آیا می توان گفت با این انتخابات اصلاح‌طلبان به دنبال آشتی با حاکمیت هستند، گفت: هیچ وقت اطلاح‌طلب‌ها با نظام قهر نبودند، در هر بخشی آدم‌های تندرو هستند که ممکن است اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا باشند. این‌هایی که به نام اصولگرا هستند، کسانی هستند که عملا با رفتار خودشان یک نوع قهر بودن را به ذهن آدم متبادر می کنند ولی به نظر من چنین چیزی نیست.

ما به جای اینکه به مسائل سیاسی نگاه کنیم باید به مسائلی نگاه کنیم که ایران را تهدید می کند. حالا اینکه آشتی کنند یا قهر کنند را من نمی‌فهمم. اگر قرار است کسی با کسی دیگر دوست باشد باید این دوستی را عملی کند و این دوستی باید واقعی باشد نه اینکه هر حرفی را بعضی‌ها به هم بزنند و بعد بگویند ما با هم دوست هستیم، اصلا چنین چیزی ممکن نیست.

بخش بزرگی از کسانی که تصمیم‌گیر هستند با مملکت قهر کرده‌اند

وی بیان کرد: متاسفانه یک چنین تعارفاتی در فضای سیاسی ما هست. حالا شاید برخی که کار سیاسی می کنند، دوست داشته باشند. مشکل ما مسئله‌ی وفاق ملی نیست، همه مردم ما مملکت خودشان را دوست دارند به خصوص کشورمان را که از نظر سرزمینی و زیستی به سمت نابودی می رود باید به فکر آن باشیم، همه باید با ممکلت‌شان آشتی کنند. بخش بزرگی از کسانی که تصمیم گیر هستند با مملکت قهر کرده‌اند یعنی با سرزمین ایران قهر هستند چون دائم با سیاست‌هایی که می گذارند، آن را نابود می کنند. امیدوارم آقای پزشکیان و عارف که اخیرا آمدند با مملکت خودشان آشتی کرده باشند و سیاست هایی داشته باشند که سرزمین ما را به روزهای خوبش برگردانند.

یادداشت ...

سازوکار انتخاب وزرا؛ ضرورت فهم

صادق آبسالان– جامعه شناس

در ایران بعد از انقلاب تجربه کارکردن "سیزده" دولت را داریم. این دولت ها هر یک با سازوکاری مختص به خود کابینه را انتخاب کرده اند. فارغ از قضاوت این شیوه های انتخاب، رویکرد هستی شناسانه باید معطوف به تامل ورزی اصحاب علوم انسانی /اجتماعی در ارتباط با الگو یا الگوهای حاکم بر انتخاب وزرا در دولت های بعد از انقلاب، به عنوان یک "فرد تاریخی" باشد.

موضوع تشکیل "کارگروه برای انتخاب کابینه"، در شکلی که این روزها با آن مواجه هستیم، پدیده ای منحصر به ایران است و آنرا باید در نسبت با "ساختار قدرت" در ایران فعلی فهم و تبیین کرد. ما در ایران با یک نظم سیاسی خاص و منحصر مواجه هستیم. هر نسخه ای برای سیاست ورزی و هر پیشنهادی برای بهبود شرایط، اگر بدون لحاظ این "خاص بودگی" باشد، راه به مقصود نمی برد.

"سردرگمی" و "بلبشویی" که امروز و طی ادوار گذشته در "موسم" چینش کابینه با آن مواجه بودیم را می توان از منظرهای مختلف مورد نقد و وارسی قرار داد. آنچه بیشتر مورد توجه بوده نقد "فرم" و "شکل" کار از حیث جناحی /غیرجناحی بودن، سهم اقوام و گروه‌ها و ... در کابینه؛ یا "تطبیق" وضعیت ایران، از این حیث، با نظام های سیاسی پیشرفته بوده است. معمولا هم با طرح این گزاره مواجه بودیم که مشکلات موجود در اینجا به دلیل فقدان نظام حزبی است.

این شکل مواجهه با مساله، اگر چه بخشی از واقعیت موجود را توضیح میدهد، اما توقف در این سطح از مباحث، نقد و فهم "درون ماندگار" [(Immanent)] تجربه "سیاست ورزی" در ایران، که لازمه شناخت وضعیت "اکنون" است، را ناممکن می کند.

در واقع آنچه امروز در خصوص سازوکار انتخاب کابینه با آن مواجه هستیم، نشانه "نقصانی" جدی در تامل ورزی حوزه علوم انسانی و اجتماعی در ایران است. اما نه به منزله اینکه علوم انسانی و اجتماعی در چنین لحظاتی نسخه هایی در آستین داشته و آنرا به سیاستمداران عرضه کند؛ خیر.

جریان اصلی (main stream) علوم انسانی و اجتماعی در ایران نتوانسته "هستی" پابرجا، دارای نیرو، زنده و پویای پدیده های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در ایران کنونی را "پروبلماتیک" کرده و آنرا موضوع تامل تاریخی /اجتماعی قرار دهد.

ما تجربه بیش از یک قرن "دولت مدرن" در ایران داریم، اما تحلیل و نقد دولت در مقام یک "داده تاریخی /اجتماعی که الگوهای درون ماندگار تجربه کنش ورزی سیاسی در اینجا را مورد تامل قرار داده باشد، چندان مورد اهتمام نبوده است. به عبارتی، فهم و نقد "هستی شناسانه" تجربه امر سیاسی در ایران که در معنای ترسیم و توضیح بنیان های تاریخی /اجتماعی وضعیت اینجا و اکنون است، واجد ارزش تحلیلی نبوده است.

طرح گزاره ها و کلیشه های کلی مانند: ما دولت مدرن نداریم، دموکراسی نداریم، نظام حزبی نداریم، مدرنیته در اینجا ناقص متولد شده، بوروکراسی، شهر، دانشگاه در معنای آنچه در غرب است، در اینجا نداریم؛ بیشتر توضیح غیرتاریخی نشدن ها است. این سطح از تحلیل درگیر "تاریخ غیاب یا فقدان" پدیده هاست. در صورتی که وظیفه علم توضیح "هستی" پدیده است؛ توضیح تجربه های متعین شده، عینی و مادی است که ردپای آنها را در تمام ساحت های زندگی مان می بینیم.

این مهم محقق نمی شود، مگر اینکه پدیده ها را از "درون" بفهمیم. ما هر وقت خواستیم درون را بفهمیم آنرا با بیرون مقایسه کردیم. این مقایسه با بیرون به قیمت ناممکن شدن فهم وضعیت از درون بوده است. مقایسه با بیرون امر مذمومی نیست، اما نه به قیمت ناممکن شدن فهم درون.

مواجهه "غیرهستی شناسانه" با مسائل ایران، پیشاپیش پاسخ هایی ایدئولوژیک و "دم دستی" را برای حل چالش ها پیشنهاد میکند؛ در این صورت عالم علوم سیاسی و علوم اجتماعی ما نیازی نمی بیند به ترسیم فضا/ زمانی بپردازد که مثلا طی چهار دهه گذشته شرایط امکان "نظم سیاسی" غالب را فراهم آورده است. اینجا نقد متوجه "نظم دانش" است.

بی جهت نیست جریان غالب پایان نامه های علوم سیاسی و جامعه شناسی در ایران به جای توصیف، تحلیل، تبیین و نقد زمین زیر پای خود یا هستی تاریخی /اجتماعی که با آن روبرو است، وجهی از "آسیب شناسی"، "کلیشه پردازی"، "امر فقدانی" و "تحلیل تطبیقی" را نقطه عزیمت خود قرار داده است. این همان چیزی است که نیاز به "بازاندیشی" دارد.

برای اینکه بحث از حالت انتزاعی خارج شود، بر می گردیم به موضوع انتخاب کابینه.

در ایران بعد از انقلاب تجربه کارکردن "سیزده" دولت را داریم. این دولت ها هر یک با سازوکاری مختص به خود کابینه را انتخاب کرده اند. فارغ از قضاوت این شیوه های انتخاب، رویکرد هستی شناسانه باید معطوف به تامل ورزی اصحاب علوم انسانی /اجتماعی در ارتباط با الگو یا الگوهای حاکم بر انتخاب وزرا در دولت های بعد از انقلاب، به عنوان یک "فرد تاریخی" باشد.

به عبارتی، پرسش هایی از این جنس که آنچه طی "سیزده" دوره گذشته با آن مواجه بودیم، چی بوده و چگونه بوده است؟ این شکل بودن در خدمت چه اشکالی از روابط قدرت بوده است؟ چه اشکالی از منفعت را به گردش درآورده است؟ چه چیزی را بازتولید کرده است؟ چه کارکردهایی داشته است؟ چه نیروهایی را برکشیده و چه نیروهایی را طرد کرده است؟ این شیوه یا شیوه های انتخاب چه چیزی را "ممکن" و چه چیزی را "ناممکن" کرده است؟

پدیده انتخاب کابینه در ایران، مانند هر پدیده تاریخی و اجتماعی دیگر، ذات ثابتی ندارد، بلکه در یک فرایند "شدن" تاریخی ممکن شده است. آنچه باید مورد توجه باشد پرسش از چگونگی امکان مند شدن پدیده مذکور است. این شیوه انتخاب که امروز با آن مواجه هستیم، می توانست نباشد و یا به گونه ای دیگر باشد. اما حال که "هست"، باید به شیوه ای تبارشناسانه پرسید، "چرا هست انچه هست به جای اینکه نباشد." هر ایده و رویکرد علمی که این "شدن" را معلق کند، فهم و نقد آنرا ناممکن کرده است.

شوربختانه در تجربه تاریخی کوتاه علوم انسانی و اجتماعی ایران در معنای مدرن آن (فارغ از استثناها)، با ساحتی از علم انسانی /اجتماعی مواجه بودیم که به جای توضیح کثرت ها، تفاوتها، بس گانگی ها و تغییرها، در صدد آسیب شناسی اجتماعی و ارائه درمان و راهکار بوده است.

در حالیکه، علوم انسانی بیش از آنکه شان درمان و آسیب شناسی داشته باشد، باید به توضیح وضعیت و هستی زیرپای اش بپردازد. البته مسلما ارائه راهکار برای برون رفت از چالش های موجود نیز امری جدا افتاده و مستقل از رویکرد هستی شناسانه به تاریخ نیست، بلکه در درون همین شیوه اندیشیدن امکان تحقق پیدا می کند.

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲۰